

صاحب امتیاز:

موسسه فرهنگی هنری آهنگ آتیه
(تحت پوشش سازمان تامین اجتماعی)
رئیس شورای سیاست‌گذاری:ابراهیم رستمیان مقدم
مدیر مسئول: حامد شمس
سر دبیر: اکبر هاشمی
معاون سردبیر: رضا جمیلی
دبیر تحریریه: میترا فردوسی
مدیر هنری: سیدعلی رضا میرزامصطفی
مدیر فنی: پژمان اشکان
ویرایش عکس: شبنم رضوانی
ویرایش متن: مرضیه عظیمی
تحریریه: نسرین ظهیری، فاطمه علی اصغر
آزاده افتخاری، امین جلالوند
مسعود شاه‌حسینی، صدرا محقق، نگار مفید
محمدحسین قشقایی، بهاره اسلامی
حامد رسولی،مهدی شادمانی، نازنین متین نیا
حمیدرضا عبدالوند، بهاره بدیعی
جواد حیدریان،مسعود مشایخی
نظارت چاپ: عبدالله محمدی
با تشکر از: ابراهیم باقری، صولت فروتن
احمدرضا سبزویش
نشانی: خیابان احمد قصیر، خیابان دوازدهم
شماره ۲۲، طبقه پنجم
تلفن تحریریه: ۰۶-۸۵۱۷۰۸۵
نمابر: ۸۵۱۷۰۸۷
www.tamin24.ir
چاپ: هنر سرزمین سبز
آگهی و اشتراک: ۰۹۱-۸۵۱۷۰۸۵

پرستویی، مقابل دوربین کیمیا یی

پیش تولید فیلم سینمایی «قاتل اهلی» به کارگردانی مسعود کیمیایی از سر گرفته شده و تیم کارگردانی در تکاپوی کامل کردن لیست عوامل هستند. در همین راستا ۲۴ خردادماه پرویز پرستویی برای ایفای نقش اصلی فیلم تازه کیمیایی با متصدیان فیلم قراردادبست تا اولین همکاری این بازیگر و کارگردان شکل بگیرد.دیگر عوامل و بازیگران «قاتل اهلی» در حال انتخاب هستند که با قطعی شدن این فهرست طی روزهای آینده نام آن ها رسانه‌ای خواهد شد.طبق برنامه‌ریزی انجام‌شده فیلم‌برداری «قاتل اهلی» به‌تهیه‌کنندگی منصور لشکری قوچانی تا چند هفته دیگر در تهران آغاز می‌شود.

۱۶ | اکتیبنو

فیلم کیارستمی سومین فیلم برتر قرن ۲۱ شد

را سه فیلم اول در فهرست پنجاه فیلم برتر خارجی قرن ۲۱ معرفی کرد. «مثل یک عاشق» فیلمی ژاپنی و فرانسوی محصول سال ۲۰۱۲ به کارگردانی عباس کیارستمی است که در جشنواره فیلم کن در دوره شصت و پنجم به نمایش

درآمد.رین تاکاناشی، تاداشی اوکونو و ریو کاسه بازیگران اصلی این فیلم هستند.در فهرست مجله «نیویور کر» که تنها نام یک اثر از کارگردانان منتخب در آن وجود دارد، فیلم‌های «چنان» (۲۰۰۴) ساخته «ژیا ژانگ»که فیلمساز چینی، «تهه آزادی» (۲۰۱۴) ساخته «هانگ سون-سو» از کره جنوبی، «تخته‌سیاه» (۲۰۰۰) از سمیرا مخملباف، فیلم مستقل «نیمه دیگر» (۲۰۰۶) ساخته «بینگ لینگ»، «درخواست» (۲۰۰۹) به کارگرانی «ژائو لینگ» از چین، مستند «آخرین بی‌عدالت» (۲۰۱۳) از «کلود لنزمان» و فیلم «خداحافظ مسافرخانه دراگون» (۲۰۰۳) از «سای مینگ لینگ» تایوانی در رتبه‌های چهارم تا دهم قرار دارند.



مجله آمریکایی «نیویور کر» در فهرستی جدید از «پنجاه فیلم برتر خارجی در قرن ۲۱ تاکنون»، نام آخرین ساخته بلند سینمایی عباس کیارستمی را در جایگاه سوم قرار داد. به گزارش ایسنا، «ریچارد برادی» منتقد سینمایی مجله «نیویور کر» سه فیلم «درستایش عشق» (۲۰۰۱) ساخته «ژان لوک گدار» کارگردان نامدار موج نوی سینمای فرانسه، «نه یک فیلم خانگی» (۲۰۱۵) ساخته «شانتال اکرمن» فیلمساز پیشگام بلژیکی و «مثل یک عاشق» (۲۰۱۲) از عباس کیارستمی

پایتوت

جایی برای حرف‌های خودمانی

دوم تیرماه روز ملی اصناف در ایران است. بخش بزرگی از اقتصاد ایران روی دوش قریب به ۳ میلیون واحد صنفی در سراسر کشور است. اصنافی که به‌عنوان آخرین زنجیره اقتصادی تولید و توزیع کالا با مردم سرو کار دارند و حرمت و ارج و قرب آن‌ها از همین مردم‌داری و بودن در بطن جامعه می‌آید. مغازه‌دارها و فروشندگان و توزیع‌کنندگانی که زیر لوای مفهوم سنتی بازار بیبوندی دیرینه با ارزش‌های دینی و ملی کشور دارند و هر جا که لازم بوده با مردم و انقلاب همراهی کرده‌اند؛ چرا که آن‌ها خود مردم‌اند. ماه مبارک رمضان جلوه دیگری از این همراهی ملی -اسلامی صنوف مختلف با روح جامعه است. سجادهای در وسط مغازه لباس فروشی پهن شده تا کسب رزق حلال با ماه مهمانی خداتر کیب‌بند ز بیایی بسازد.



بحث داغ شبکه‌های اجتماعی؛

تعطیلی ارج؛ نوستالژی یا بهانه‌جویی؟



تعطیل شده است.» کاربرد دیگری نیز با انتشار عکس کارخانه ارج در اینستاگرام نوشت: «به خاطر شرایط بد اقتصادی که دولت تدبیر رقم زده شاهد تعطیلی، توقف و اخراج کارگران هستیم.» محمود از اهالی فیس بوک اما تعطیلی ارج را مربوط به دوره دولت قبل می‌داند، او در صفحه فیس بوک خود نوشت: «سال گذشته هم توضیح دادم که سیاست صنعتی‌زدایی که در دوره احمدی‌نژاد رخ داد و بر پایه سرکوب نرخ ارز (پایین نگه داشتن مصنوعی نرخ ارز) و واردات بی‌رویه بود و هردو به یمن سیل درآمدهای نفتی میسر شد چه بر سر صنعت ایران آورد. تقریباً بخش عمده قطعه‌سازی اتومبیل در ایران نابود شد و حتی صنایعی که در ایران به‌صورت سنتی سابقه طولانی داشتند نظیر تولید کفش، چرم و حتی فرش قابلیت رقابت خود را از دست دادند و عموم کارخانه‌ها تعطیل شدند. کار حتی به صنایع خرد نظیر صنایع الکترونیک و تأسیسات ساختمان و… کشید و عملاً واردات از تریه و چین مقرون به‌صرفه شد و بسیاری از تولیدکنندگان در پوشش تولید، عملاً به واردات و صرفاً تغییر برچسب اقدام کردند.»

کاربری به نام اشکان نیز در این خصوص در یک گروه تلگرامی نوشت: «شرکت ارج سال ۸۷ با تصمیم هیئت پذیرش به دلیل زیان انباشته از بورس اخراج شد، یعنی این شرکت از همان سال‌ها عملاً تعطیل بود. پرسنل این شرکت در سال ۸۴ (شروع ریاست جمهوری احمدی‌نژاد) ۱۰۳۰ نفر بود، که در سال ۹۲ (پایان ریاست جمهوری احمدی‌نژاد) به ۳۰۶ نفر کاهش یافت، یعنی ۷۰ درصد کارکنان شرکت اخراج شدند و شرکت عملاً تعطیل شده بود.»

اما چرا مردم از ارج هم استفاده می‌کردن؟ چون به خاطر رقابتی که بین کالای ایرانی با کالای خارجی بود، کالای ایرانی هم با کیفیت بود، در نتیجه مردم کالای ایرانی هم می‌خریدن. بعد هم اینکه در حال حاضر یکسری قضایای پشت پرده هست که من و شما از آن بی‌خبریم و گرنه مطمئن باشید برندی به اسم ارج که سال‌های زیادی سابقه تولید و حتی صادرات داشته با کمک مالی و وام‌های کلان می‌توانست نجات پیدا کند.»

کاربری به نام جواد که قیمت بالای محصولات ایرانی را دلیل تعطیلی آن‌ها می‌داند در اینستاگرام نوشته است: «به کولر ۵۵۰۰ اگه بخوای بدون نام و خودت جمع کنی حول‌وحوش نهایت با ۵۰۰ تا ۵۵۰ جمع میشه ولی همین شرکت و شرکت‌های هم‌رده تقریباً مبلغی بالغ بر ۸۰۰ تا ۹۰۰ از مردم می‌گیرن. با این وضع حتماً باید تعطیل می‌شد. بقیه محصولات هم که همین وضع رو داره.»
خبر تعطیلی کارخانه ارج و اخبار حواشی آن، اما موضوع داغی شد برای برخی منتقدان دولت که در شبکه‌های اجتماعی فعال هستند، تا این تعطیلی را به سیاست‌های دولت فعلی ربط دهند و با کشاندن موضوع به «پسایرجام» امید مردم را به اقدامات دولت کمرنگ کنند. رسایی، نماینده مجلس نهم که حضوری فعال در اینستاگرام دارد، در این خصوص این‌گونه اظهارنظر کرد: «رسانه‌های دولتی با تکیذب تعطیلی کارخانه، از به فروش رفتن کارخانه ارج خبر می‌دهند! درحالی‌که طبق اطلاعات میدانی کمتر از ۸۰ نیرو در بخش‌های مربوط به حراست، آتش‌نشانی و اداری این شرکت مشغول فعالیت هستند و عملاً کارخانه «ارج»



خبر یک خط بیشتر نبود؛ «کارخانه ارج تعطیل شد.» اما به گفته فعالان بخش خصوصی عمق فاجعه‌بار آن دردی هولناک در دل اقتصاد ایران بر جا گذاشت. مرگ یک برند ملی و پایان ۸۰سال کارآفرینی، خبر تعطیلی کارخانه ارج مثل بمب در شبکه‌های اجتماعی منفجر شد و در پی آن موجی از اظهارنظرها و واکنش‌های مردمی در شبکه‌های اجتماعی به راه افتاد تا ریشه‌های عمیقی که این برند ملی در دل جامعه داشته، نمایان شود. هرچند تعطیلی کارخانه ارج از سوی برخی از مدیران آن تکذیب شد، اما کاهش چشمگیر تولید در این مجموعه صنعتی که روزگاری نماد تولید ملی و کارآمدی بخش خصوصی بود، قابل تکذیب نیست.

اکانت روزنامه اعتماد در توئیتر این‌گونه خبر تعطیلی ارج را اعلام کرد: «مرگ یک نوستالژی؛ شرکت ارج هم به‌طور کامل تعطیل شد. ارج اولین شرکت تولید لوازم‌خانگی ایران در سال ۱۳۱۶ تأسیس شد. قدمت این شرکت از سامسونگ بیشتر بود.»
نوستالژی، خاطره و مقاوم بودن محصولات ارج، پرکاربردترین کلمه‌ها برای کاربرانی بود که در رابطه با تعطیلی ارج اظهارنظر کردند، برندی که بخشی از کودکی بسیاری از دهه‌شصتی‌ها بود. عباس از اهالی توئیتر در این خصوص نوشت: «امروز روز کشتار نوستالژیه ظاهر!! اول اعلام مرگ حبیب و الان هم تعطیلی کامل کارخانه ارج! کودکی و نوجوانی من به دوست داشتن بخاری ارج گذشت!» کاربرد دیگری به نام نازنین در توئیتر نوشت: «ما به یخچال ارج داشتیم از چهزیه به مامان تا ۸ سالگی من کار کرد، یعنی ۱۴ سال. یکی دیگه بعدش خریدیم تا همین پارسال کار می‌کرد، یعنی ۱۷ سال.»

احمد فرامرزی از اهالی فیس بوک نوشت: «ولش با تعطیلی کارخانه ارج شروع شد. بعدش خبر پایان یاهو مستنجر اعلام شد. الان که میخوان با شیفیت تعطیلی پنج‌شنبه به شنبه، غروب جمعه رو منحل کنن؛ انگار اگه خدا بخواد قصد دارن دهه شصت رو کلاً بکوبن و به جاش برج بسازن!»

تحلیل‌ها و اظهارنظرها در خصوص دلیل تعطیلی این کارخانه، اما سوژه اصلی شبکه‌های اجتماعی بود، جایی که برخی عدم استقبال ایرانیان از تولیدات داخلی را دلیل اصلی می‌دانند، عده‌ای ضعف تولیدات داخلی را دلیلی بر این امر می‌دانند و برخی نیز بین دولت‌های فعلی و قبلی یکی را مقصر اصلی در نظر می‌گیرند. شهروزاد از اهالی توئیتر که عدم استقبال از کالاهای داخلی را دلیل این تعطیلی‌ها می‌داند، نوشت: «پارس خزر با کیفیت عالی رو کنار می‌گذاریم و مولینکس می‌خریم که خدمات پس از فروش درستی هم نداره، بعد برای تعطیلی ارج فغان سر می‌دیم!»

کاربری به نام ایمان‌ا نظری متفاوت دارد، او در اینستاگرام اینطور نظر داد: «مشکل اصلی صنایع داخل ایران نداشتن هنر بهره‌روزرسانی کیفیت محصولات و خدمات و همچنین ضعف در رقابت با دنیا به‌خصوص غول‌های آسیایی مثل سامسونگ و سونی و… است.»

کاربر اینستاگرامی دیگری به نام شهروزاد اما می‌گوید: «قبیل از انقلاب هم کلی کالای باکیفیت آمریکایی و اروپایی در ایران بوده



یکشنبه ● ۳۰ خرداد ۱۳۹۵ ● شماره پنجاه و هشت

A T I V E H N O

● **ساختمان نیمه کاره-۴۲** ●
 ● **مسعود مشایخی** ●

پینه‌دستان شناسنامه آنهاست

گاهی اوقات خدا خیلی زود حرف دل آدم‌ها را می‌شنود و جواب آن را می‌دهد. بعد از یادداشت قبلی که پر از گله و شکایت و ناامیدی بود، امروز ماشین‌های پر از مصالح و ابزار رسیدند و خیلی زود دست‌به‌کار شدیم. دوستانی مثل علی که به صورت روزمزد کار می‌کنند هم به ما اضافه شدند و خلاصه دوباره جنب‌وجوشی در ساختمان ما به راه افتاد. اواسط هفته بود که حاج‌علی با دست پر به ساختمان آمد و حقوق همه را داد و بچه‌ها از بی‌پولی خلاص شدند. همه می‌دانستیم که این شادی‌ها موقتی است و شاید تا چندروز دیگر دوباره به همان روزهای بد برگردیم اما همین خوشی‌های کوتاه و لحظه‌ای هم روحیه بچه‌ها را شاد کرده بود و امید به آینده را می‌شد در چهره تک‌تک دوستان دید؛ آمدی که آدمی بدون آن مرده متحرکی بیش نیست.

ماه رمضان است و با وجود گرمی هوا و سختی کار، عده زیادی از دوستان ما دهان روزه مشغول به کارند و این مشکلات هم نمی‌تواند آن‌ها را از انجام فرایض دینی بازدارد. بقیه دوستان هم که هر کدام به نوعی مشکل یا مریضی دارند و توان روزه گرفتن ندارند به احترام روزه‌داران مثل سابق بساط صبحانه را پهن نمی‌کنند. ظهر که وقت نماز می‌شود کار را تعطیل می‌کنیم و نماز ظهر و عصر را در همین ساختمان می‌خوانیم و کمی استراحت می‌کنیم. امروز دوستان علی از برخورد کسی که چند روز قبیل برایش کارگری می‌کرده تالان بود، می‌گفت آن فرد با اینکه آدم تحصیل کرده و موجهی بوده برخوردش با او اصلاً خوب نبوده و یکسر به او بد حرف می‌زده. خود من هم با این نوع آدم‌ها بسیار برخورد کرده‌ام در خیلی مواقع ناراحت شده و عکس‌العمل نشان داده‌ام. بعضی آدم‌ها با اینکه تحصیل کرده و باسواد هستند اما در برخورد و رفتار با مردم درست عمل نمی‌کنند. درواقع درک و شعور کلاً نیست که بتوان آن را از فروشگاه خرید یا سفارش تولید آن را داد، بلکه باید در وجود خود آدم جوانه بزند و توسعه پیدا کند. به طور کلی تنها چیزی که باعث تفاوت آدم‌ها می‌شود میزان درک و شعور آن‌هاست، نه پول و منصب و مدرک آن‌ها. امیدعلی هم خاطره بسیار جالب و مری‌تبلی تعریف کرد. او که موسسید ساختمان محل کار ماست تعریف کرد که پارسال برای انجام کاری به یکی از شهرهای کشور می‌رفته که در یکی از پست‌های بازرسی برای تفتیش و بازرسی از ماشین پیاده‌اش می‌کنند. می‌گفت: «مامور حاضر در آنجا از من درخواست مدارک شناسایی کرد و من مدارکم دم دستم نبوده و او گفت من کارگر ساختمانی‌ام و مدرکم همین دست‌های پینه‌بسته‌ام است.» امیدعلی می‌گفت: «وقتی این را گفتم آن مامور دستانم را در دستش گرفت و بوسه‌ای بر دستانم زد و گفت، این دست‌های زحمتکش لایق بوسه هستند و چشمانش پر از اشک شد.» از شنیدن این اتفاق واقعا خوشحال شدم که هنوز در گوشه‌ای از این مملکت هستند کسانی که بدون در نظر گرفتن منصب و مقامشان، بدون خودخواهی و تکبر، احساسات پاک و ناب خود را به این زیبایی نشان می‌دهند. آدم‌هایی که به این سطح از درک و شعور رسیده‌اند که غرور خودشان را زیر پامی گذارند و بر دستان پینه‌بسته یک کارگر ساختمانی بوسه می‌زنند. کاری که شاید هیچ‌وقت از من و ما برنیاید. دو روز قبل بود که محمد و الیاس که جوان‌ترین‌های ساختمان نیمه‌کاره ما هستند دوباره شیطنت و جوانی‌شان گل کرد و سر کار نیامدند و باعث شدند کار زیادی روی سر ما ریخته شود و همه عقب بیفتند. حاج‌علی هم که از غیبت نااموجه آن‌ها ناراحت شده بود تصمیم گرفت آن‌ها را اخراج کند. می‌گفت این دو چندمین بار است که کار را عقب انداخته‌اند و جدی جدی کار داشت به جاهای باریک کشیده می‌شد. بچه‌ها دست‌به‌کار شدند و وساطت کردند تا آن‌ها سر کار برگردند، البته با هازر شرط و تعهد. ما هم از فرصت استفاده کردیم و کلی کار اضافه روی دست آن‌ها گذاشیم و گفتیم اگر آن‌ها ناراض کنند حاج‌علی را خبر می‌کنیم. البته حاج‌علی بسیار مهربان است و هیچ‌وقت تصمیم نداد که کار را اخراج نمی‌کند و بیشتر می‌خواست آن‌ها را پایند کار کند.